



● صاحب امتیاز: فخرگزاری جمهوری اسلامی
● مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
● رئیس هیات مدیره: صادق حسین جباری انصاری
● مدیرعامل و مدیر مسئول: علی مقیان
● سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
● سردبیر ایران ورزشی: علی چوادی
● تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۰۴۱۳۳ | نامبر: ۸۴۷۷۱۳۳۳
● چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
● سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۰۴۳۰۰
● امور مشترکین: ۸۸۵۱۹۵۴ - ۸۸۵۱۹۵۴
● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
● صندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵

انقلاب مالی فیفا

فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) مبلغ جوایز جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل را ۵۷۶ میلیون دلار تعیین کرد که نسبت به جام جهانی ۲۰۱۰ در آفریقای جنوبی با ۴۲۰ میلیون دلار، افزایش قابل توجهی را نشان می‌دهد. این رشد معادل دست‌کم یک سوم و حدود ۲۷ درصد اعلام شده است. علاوه بر جوایز اصلی، ۷۰ میلیون دلار نیز از طریق فدراسیون‌های ملی میان باشگاه‌هایی توزیع شد که بازیکنان آنها در ماه ژوئن ۲۰۱۴ در این رقابت‌ها حضور داشتند. این رقم نیز نسبت به دوره گذشته افزایش یافته است.

فیفا همچنین ۱۰۰ میلیون دلار دیگر تحت عنوان برنامه حمایت از باشگاه‌ها اختصاص داد تا از تیم‌هایی که بازیکنانشان در جام جهانی شرکت می‌کنند حمایت شود. این برنامه از سال ۲۰۱۲ آغاز شده و مسابقات رسمی در چند روز در تقویم بین‌المللی فوتبال را از ۱ سپتامبر ۲۰۱۲ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۴ پوشش می‌دهد.

همچنین تمامی تیم‌های حاضر در جام جهانی مبلغ ۱.۵ میلیون یورو برای آماده‌سازی و هزینه‌های اولیه دریافت کردند.

ویژه

داستان حماسی کاستاریکا در جام جهانی ۲۰۱۴

سیندرلای برزیل

در تاریخ جام‌های جهانی، همیشه تیم‌هایی بوده‌اند که برخلاف پیش‌بینی‌ها، معادلات فوتبال را برهم زده‌اند؛ تیم‌هایی که از دل تردید و بی‌اعتمادی، افسانه ساخته‌اند اما کمتر داستانی به اندازه ماجرای شکست‌انگیز تیم ملی کاستاریکا در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل، رنگ حسامه و مجزه داشته است. تیمی کوچک از آمریکای مرکزی که پیش از آغاز مسابقات، بسیاری حتی برایش شانس کسب یک امتیاز هم قائل نبودند، ناگهان به کابوس غول‌های فوتبال جهان تبدیل شد.

وقتی قرعه‌کشی مسابقات انجام شد، کاستاریکا در گروهی قرار گرفت که رسانه‌ها بلافاصله لقب «گروه مرگ» را به آن دادند؛ گروهی متشکل از سه قهرمان سابق جهان، اروگوئه، ایتالیا و انگلستان. مجموعاً هفت جام جهانی در این گروه حضور داشت و تقریباً تمام کارشناسان باور داشتند که کاستاریکا نخستین تیم حذف‌شده خواهد بود. اما فوتبال بار دیگر ثابت کرد که زیبایی‌اش در غیرقابل پیش‌بینی بودن آن نهفته است.

نخستین بازی، مقابل اروگوئه بود؛ تیمی با مهاجمانی خطرناک همچون ادینسون کاونی و دیگو فورلان. اروگوئه خیلی زود از روی نقطه پنالتی پیش افتاد و بسیاری تصور کردند که سناریوی پیش‌بینی شده آغاز شده است اما نیروی پیش‌تولد یک شگفتی بود. کاستاریکا با شجاعت حمله کرد و با نمایشی خیره‌کننده، سه بار دروازه اروگوئه را کشود تا جهان فوتبال را شوکه کند. در آن شب تاریخی جوتل کمپبل جوان با سرعت و تکنیک خود، خط دفاع اروگوئه را از هم پاشید و نامش را بر سر زبان‌ها انداخت.

اما شگفتی واقعی هنوز در راه بود. دیدار دوم مقابل ایتالیا، تیمی که همیشه به نظم تاکتیکی و تجربه مشهور بوده، آزمون دشوارتر به نظر می‌رسید. با این حال، کاستاریکا بار دیگر فراتر از انتظار ظاهر شد. آنها با دوندگی بی‌امان، انسجام دفاعی و استفاده از ضدحملات سریع، انرژی را تحت فشار قرار دادند. در نهایت، ضربه سرد دقیق برایان روثیز کافی بود تا ایتالیا شکست بخورد و کاستاریکا صعود خود را به مرحله حذفی قطعی کند؛ اتفاقی که شاید هیچ‌کس پیش از آغاز مسابقات تصور نمی‌کرد.

تساوی بدون گل برابر انگلستان در بازی سوم، تنها مهر تأییدی بر عظمت این داستان بود. کاستاریکا نه تنها حذف نشد، بلکه به عنوان صدرنشین بدون شکست از گروه مرگ بالا رفت؛ بالاتر از سه قدرت سنتی فوتبال جهان. پشت این موفقیت تاریخی، ذهن منظم و سخت‌گیر خورخه لوئیس پینتو قرار داشت؛ مربی کلمبیایی که تیمش را با سیستم دفاعی ۵-۳-۱ به یکی از منسجم‌ترین تیم‌های جام تبدیل کرده بود. بازیکنان کاستاریکا با فشرده‌گی خطوط، اجرای دقیق تله‌افساید و پرس شدید، عملاً فضا را از حریفان می‌گرفتند. آنها شاید ستاره‌های بزرگ فوتبال جهان را در اختیار نداشتند، اما با نظم و انضباط، ضعف‌های فردی خود را پنهان می‌کردند.

در مرحله یک‌هشتم‌نهایی مقابل یونان، کاستاریکا با سخت‌ترین آزمون روحی خود روبه‌رو شد. پس از اخراج یکی از مدافعان، تیم مجبور شد دقیقاً طولانی‌تر از ۱۰ دقیقه بازی کند. یونان در اوایلین لحظات گل تساوی را زد و مسابقه به وقت اضافه و سپس ضربات پنالتی کشیده شد. اینجا بود که ستاره واقعی تیم درخشید: کیلور نایاس.

نایاس در طول مسابقات عملکردی خارق‌العاده داشت، اما مقابل یونان به یک قهرمان ملی تبدیل شد. واکنش‌های سریع و مهارت‌های حساس، کاستاریکا را برای نخستین بار در تاریخ به مرحله یک‌چهارم نهایی رساند. نمایش‌های او در برزیل چنان چشمگیر بود که بلافاصله پس از جام جهانی، راهی آمریکا مادرید و ره یکی از بزرگ‌ترین دروازه‌بانان نسل خود تبدیل شد. رؤیای شیرین کاستاریکا سرانجام در مرحله یک‌چهارم نهایی برابر هلند متوقف شد. آنها ۱۲۰ دقیقه برابر حملات سنگین هلند مقاومت کردند و حتی اجازه گلزنی به ستارگانی چون آریون روبین و روبین فن پرسبی ندادند. اما در آستانه ضربات پنالتی، لوئیس فن خال تصمیمی تاریخی گرفت و دروازه‌بان ذخیره‌اش، تیم کورل را فقط برای پنالتی‌ها وارد زمین کرد؛ حرکتی روانی که در نهایت به حذف کاستاریکا انجامید.

با این حال، کاستاریکا جام جهانی ۲۰۱۴ را بدون حتی یک شکست در جریان عادی یا وقت اضافه ترک کرد و تنها در ضربات پنالتی مغلوب شد. آنها نشان دادند که فوتبال فقط بازی پول، ستاره‌ها و تاریخ نیست؛ بلکه میدان ایمان، اتحاد و شجاعت نیز هست. نسل متشکل از نایاس، روثیز و کمپبل، نام کشور کوچک کاستاریکا را برای همیشه در حافظه عاشقان فوتبال جاودانه کرد؛ تیمی که در برزیل، معنای واقعی رؤیایپردازی را به جهان نشان داد.

گزارش یک

تابستان ۲۰۱۴، برزیل دوباره به قلب تپنده فوتبال جهان تبدیل شد؛ سرزمینی که مردمش فوتبال را نه یک ورزش، بلکه بخشی از هویت ملی خود می‌دانند. جام جهانی پس از ۶۴ سال به خانه برگشته بود تا خاطره تلخ «ماراکانازو» را پاک کند اما سرنوست، تازگی تازه‌ای برای سلسلتان‌نوشته بود؛ تازگی‌ای که حتی سنگین‌ترین تحقیرآمیزتر از شکست مقابل اروگوئه در سال ۱۹۵۰ به نظر می‌رسید. جام جهانی ۲۰۱۴ در نهایت به تورنمنتی بدل شد که در آن اشک، شگفتی، فوتبال هجومی و فریادی قدرتمند قدیمی در کنار هم معنا پیدا کردند؛ جامی که آلمان را به اوج رساند و حسرتی ابدی بر چهره لیونل مسی نشاناد.

برزیل میزبان با امید فتح ششمین جام‌وارد مسابقات شد. حضور نیمار، ستاره جوان و محبوب مردم، شور عظیمی در کشور ایجاد کرده بود اما کابوس از جایی آغاز شد که کمتر کسی تصورش را می‌کرد. در نیمه‌نهایی، برزیل درهم نیمار مصدوم و تیاگو سیلوا محروم برابر آلمان قرار گرفت؛ مسابقه‌ای که قرار بود نبرد دو غول سنتی فوتبال باشد اما تنها در عرض چند دقیقه به یکی از عجیب‌ترین فروپاشی‌های تاریخ ورزش تبدیل شد. در ورزشگاه مینیرو، آلمان ماشین‌وار و بی‌رحم بازی کرد. شاگردان یواخیم لئوودر ۲۹ دقیقه نخست پنج بار دروازه برزیل را باز کردند و ورزشگاه مملو از تماشاگر را در شوکی غیرقابل توصیف فرو بردند. سکوت مرگبار هواداران برزیلی در کنار چهره‌های اشک‌آلودشان، تصویری شد که برای همیشه در حافظه فوتبال باقی ماند. بازی در نهایت با نتیجه تاریخی ۷ بر ۱ به سود آلمان پایان یافت؛ شکستی که رسانه‌های برزیلی آن را «مینیرازو» نامیدند، واژه‌ای برگرفته از فاجعه ماراکانا در سال ۱۹۵۰.

در همان مسابقه، میروسلو گلوزه نیز تاریخ‌ساز کرد. مهاجم آرام و فرصت‌طلب آلمان با گلزنی مقابل برزیل، شانزدهمین گل خود در جام‌های جهانی را ثبت کرد و رکورد رونالدو برزیلی را شکست تا به برترین گلزن تاریخ این رقابت‌ها تبدیل شود؛ آن هم در خاک برزیل و مقابل دشمنان هواداران ماتم‌زده میزبان. اما تازگی جام تنها به برزیل محدود نشد. در سوی دیگر، آرژانتین با رهبری لیونل مسی تا فینال پیش رفت و رؤیای فتح جام جهانی را در سرداشت. مسی که در آن زمان چهار توپ طلا افتخار کرده بود، تنها یک جام جهانی کم داشت تا جایگاهش در تاریخ فوتبال را تثبیت کند. او با نمایش‌های درخشان، آرژانتین را از موانع دشوار عبور داد و حالا تنها یک قدم تا جاودانگی فاصله داشت.

فینال در ورزشگاه افسانه‌ای ماراکانا برگزار شد؛ جامی که میلیون‌ها آرژانتینی امیدوار بودند مسی همان کاری را انجام دهد که مارادونا در ۱۹۸۶ کرده بود. بازی بسیار نزدیک و محتاطانه دنبال شد.

داستان «برازوگا»، تویی که آبروی آدیداس را خرید

رقص سامبا در کالبد هندسی



جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل فقط یک رویداد فوتبالی نبود؛ جشن بازگشت فوتبال به سرزمینی بود که این ورزش در آن با خیابان، موسیقی، فقر، شور و رؤیا آمیخته است.

در کشوری که کودکان با توپ‌های پلاستیکی در کوچه‌ها بزرگ می‌شوند و فوتبال بخشی از هویت ملی مردم به شمار می‌رود، توپ رسمی جام جهانی نمی‌توانست صرفاً یک وسیله ورزشی باشد. این توپ باید روح برزیل را در خود حمل می‌کرد؛ روحی سرشار از ریتم، رنگ، هیجان و حرکت. در چندین فضایی بود که «برازوگا» متولد شد؛ تویی که نه تنها به یکی از محبوب‌ترین توپ‌های تاریخ جام جهانی تبدیل شد، بلکه اعتبار از دست‌رفته آدیداس را نیز بازگرداند.

پیش از آن، نام «جابولتی» هنوز برای بسیاری از فوتبالبست‌ها یادآور بی‌اعتمادی بود. توپ جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی به دلیل حرکت عجیبش در هوا، با موجی از انتقاد



برزیل ۲۰۱۴

ثابت کرد که در فوتبال امروز

سازماندهی

انسجام و کار

تیمی می‌تواند

حتی بزرگترین

استعدادهای

فردی را شکست

دهد؛ درسی

که با اشک

برزیلی‌ها و

حسرت مسی

برای همیشه در

تاریخ ماندگار

شد



تیم ملی ایران

با هدایت

کارلوس

کی‌روش

نمایشی

منظم و

جنگنده‌ارائه

داد. پس از

تساوی بدون

گل مقابل

نیجریه، ایران

برابر آرژانتین

قرار گرفت؛

مسابقه‌ای

که بسیاری

انتظار

داشتند با

شکست

سنگین ایران

همراه شود

اما شاگردان

کی‌روش

نمایشی

شجاعانه و

کم‌نقص ارائه

دادند

گرفته بود، اما ناایه‌ای به نام لیونل مسی سرنوست را تغییر داد. او در دقیقه ۹۱ از پشت محوطه جریمه با ضربه‌ای دقیق توپ را به گوشه دروازه فرستاد تا آرژانتین پیروز شود. هرچند ایران شکست خورد، اما تحسین آهوشناسان و رسانه‌های بین‌المللی را برانگیخت.

جام جهانی ۲۰۱۴ در نهایت با قهرمانی شایسته آلمان به پایان رسید؛ تیمی که حاصل یک برنامه‌ریزی بلندمدت، ساختار حرفه‌ای و نسلی طلایی بود. این جام همچنین آغازگر دوره‌ای تازه در فوتبال مدرن شد؛ دورانی که در آن نقش دروازه‌بان‌ها تغییر کرد و مانوئل نویر



با سبک «سوئیپر-کبیر» استانداردهای جدیدی تعریف کرد. برزیل ۲۰۱۴ ثابت کرد که در فوتبال امروز، سازماندهی، انسجام و کار تیمی می‌تواند حتی بزرگترین استعدادها را شکست دهد؛ درسی که با اشک برزیلی‌ها و حسرت مسی برای همیشه در تاریخ ماندگار شد.

مردی که الفبای دروازه‌بانی را بازنویسی کرد

در قامت شماره یک مانسافت



هماهنگ بود. اما مهم‌ترین تحول برازوگا در ساختار مهندسی آن رخ داد. جابولتی از هشت پنل ساخته شده بود و سطح پیش از حد صافش باعث آشفتگی جریان هوا می‌شد. آدیداس برای حل این مشکل، معماری توپ را کاملاً باطراحی کرد. برازوگا تنها از شش تکه متقارن تشکیل می‌شد که به صورت حرارتی و بدون دوخت به هم متصل بودند. این ساختار جدید باعث شد توپ در هوا رفتاری پایدارتر و قابل پیش‌بینی‌تر داشته باشد. در واقع، برازوگا میان سرعت و کنترل تعادل ایجاد کرد؛ چیزی که هم دروازه‌بان‌ها و هم مهاجمان را راضی نگه می‌داشت.

این توپ پیش از جام جهانی، بیش از دو سال و نیم تحت آزمایش قرار گرفت. آدیداس برای اطمینان از کیفیت نهایی، آن را در اختیار بیش از ۶۰۰ بازیکن حرفه‌ای و ده‌ها باشگاه و تیم ملی گذاشت. جالب‌تر اینکه بسیاری از این تست‌ها به صورت مخفیانه انجام شد؛ توپ با طرح‌های ناشناس وارد مسابقات دوستانه و حتی برخی بازی‌های اروپایی می‌شد تا عملکرد واقعی‌اش در شرایط مسابقه بررسی شود، بدون آنکه طراحی نهایی لو برود.

در نهایت، برازوگا فقط یک موفقیت فنی نبود؛ به بخشی از هویت جام جهانی ۲۰۱۴ تبدیل شد. در آن تورنمنت ۱۷۱ گل به ثمر رسید؛ یکی از بالاترین آمارهای تاریخ جام جهانی. فوتبال هجومی، شوت‌های فنی و بازی روان تیم‌ها نشان می‌داد که توپ جدید، به جای ایجاد هرج‌ومرج، به زیبایی فوتبال کمک کرده است.

دروازه‌بان، همین عملکرد خارق‌العاده، مسیر آلمان را تا قهرمانی جهان هموار کرد و در نهایت، دستکش طلایی جام جهانی را برای او به ارمان آورد. بعدها پپ گواردیولا درباره او جمله‌ای تاریخی گفت: «نویر آتقدر در بازی با مهارت دارد که اگر در هافبک دفاعی هم بازی کند، بهترین بازیکن زمین خواهد بود.» اما از موفقیت نویر تنها در قدرت بدنی و واکنش‌های سرعش خلاصه نمی‌شد. او ذهنی تحلیلگر و آرامش یک شطرنج‌باز مرحله یک‌هشتم‌نهایی آلمان برابر الجزایر، هنوز هم یکی از عجیب‌ترین درخشان‌ترین نمایش‌های تاریخ فوتبال به شمار می‌رود. در شبی که خط دفاعی تیم ملی آلمان بارها از مهاجمان سرعتی الجزایر جا می‌ماند، نویر همچون آخرین مدافع وارد عمل می‌شد؛ از محوطه جریمه خارج می‌شد، با سر توپ را دفع می‌کرد، تکل می‌زد و حملات حریف را پیش از خطرناک شدن خنثی می‌کرد. نقشه حرارتی او در آن مسابقه بیشتر شبیه یک هافبک دفاعی بود تا

می‌ساخت. همین اعتماد به نفس باعث شد تا سال‌ها رهبر بایرن مونیخ و مانسافت باقی بماند. البته مسیر حرفه‌ای او خالی از دشواری نبود. انتقال جنجالی‌اش از شالکه به بایرن مونیخ در ابتدا با اعتراض هواداران همراه شد، اما عملکرد درخشانش خیلی زود همه تردیدها را از بین برد. علاوه بر آن، مصدومیت‌های شدید و شکستگی‌های متعدد با می‌توانستند دوران حرفه‌ای هر بازیکنی را نابود کنند، اما نویر هر بار با اراده‌ای مثال‌زدنی بازگشت.

تیم ملی آلمان بود. در موقعیت‌های تک‌به‌تک نیز با ال‌گوبرداری از دروازه‌بانان هندبال، زاویه را برای مهاجمان به حداقل می‌رساند؛ تکنیکی که امروز در سراسر فوتبال جهان تقلید می‌شود. ویژگی مهم دیگر نویر، خونردی کم‌نظیرش بود. او حتی زیر فشار شدید مهاجمان حریف نیز با آرامش توپ را کنترل می‌کرد و با پاس‌های کوتاه یا دربیسل، تیمش را از بحران خارج